

یادداشت
مانی محرابی تحلیلگر مسائل بین الملل

کارائیب در مسیر یک بحران چندلایه

اظهار نظر اخیر رئیس جمهور ایالات متحده مبنی بر بسته تلقی شدن کریم هوایی ونزوئلا و همزمانی آن با تقویت ظرفیت‌های دریایی و هوایی آمریکا در دریای کارائیب، نشانه‌ای از تغییر سطح تنش در یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیای سیاسی نیم‌کره غربی است. این اقدام، به جای آن‌که صرفاً یک هشدار عملیاتی تلقی شود، در حال تبدیل شدن به بخشی از یک الگوی فشرده فشار مستقیم‌است که شامل محدودیت‌های پرواز، حضور نظامی و فشار اقتصادی بر ونزوئلا می‌شود؛ الگویی که پیامدهای حقوقی، امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیک آن فراتر از مرزهای ونزوئلا قابل تصور است.

چارچوب حقوق بین الملل
و محدودیت‌های اقدام یک‌جانبه

مطابق ماده ۱ کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴، دولت‌ها بر فضای هوایی قلمرو خود حاکمیت انحصاری دارند. از این منظر، اعلام یک منطقه «پرخطر» یا «ممنوعه» از سوی یک دولت خارجی، بدون تکیه بر قطعنامه شورای امنیت پیامدهای حقوقی، امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیک آن فراتر از مرزهای ونزوئلا قابل تصور است.

با این حال، دیدگاه‌های حقوقی نهادهایی مانند سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) یا گزارش‌های دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC) نشان می‌دهد که این نوع استدلال‌ها، به‌ویژه هنگامی که ابعاد نظامی پیدا می‌کند، معمولاً توان مشروعیت‌سازی بین‌المللی محدودی دارند. به همین دلیل، اقدام اخیر بیشتر در محدوده‌ای نامشخص میان حقوق بین‌الملل و امنیت قرار می‌گیرد که امکان بروز تنش را افزایش می‌دهد.

نقش انتخابات و تأثیر رای لاتین‌تباران
تبیین اقدام آمریکا بدون توجه به زمینه سیاست داخلی این کشور کامل نیست. تجربه انتخابات ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که سیاستمداران آمریکایی، چه جمهوریخواه و چه دموکرات، معمولاً در آستانه انتخابات با اتخاذ مواضع سخت‌گیرانه علیه دولت‌های کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه تلاش می‌کنند. رای لاتین‌تباران مخالف این حکومت‌ها را به‌ویژه در ایالت کلیدی فلوریدا به‌سوی خود جلب‌کنند. «متن کامل یادداشت رادر «جام‌جم‌الاین» بخوانید.

ذره‌بین

تحویل آخرین جسد اسیر صهیونی توسط جهاد اسلامی

ابوحزمه، سختکوی گردان‌های قدس، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین اعلام کرد: «روز چهارشنبه گذشته در چارچوب توافق شرافتمندانه و پس از نبرد قهرمانانه و عزتمندانه، آخرین جسد اسرای صهیونیست را تحویل دادیم و پرونده آن را بستیم. ما در طول جنگ تاکید کرده بودیم که اسیران دشمن تنها با تصمیم مقاومت باز خواهند گشت و ممکن است با تابوت بازگردند یا کلا بازنگردند.» وی تاکید کرد: «گردان‌های قدس و گروه‌های مقاومت به تمام بندهای مرحله اول توافق آتش بس پایبند بوده و عمل کرده است.» ابوحزمه خاطرنشان کرد: «از واسطه‌ها و ضامنان توافقی می‌خواهیم که به دشمن فشار بیاورند تا تعهدات خود را اجرایی و تجاوزهای جنایتکارانه و مکرر خود را متوقف کند.» در همین حال، اخیراً یک منبع اسرائیلی با اشاره به موافقت حماس با ورود به مرحله دوم توافق آتش بس، مدعی شد این جنبش «چاره‌ای جز پذیرش خلع سلاح و غیرنظامی شدن غزه ندارد.» تحلیلگران معتقدند تل‌آویو با طرح ادعاهای متناقض درباره اسرا و فشار بر میانجی‌ها، تلاش دارد مسئولیت نقض‌های مکرر خود در آتش بس را پنهان کرده و حماس را مقصر جلوه دهد؛ در حالی‌که تحویل آخرین جسد اسرائیلی، شرط کلیدی مرحله نخست توافق است که شامل بازگشایی دوطرفه گذرگاه رفح نیز می‌شود.

با وجود این، رژیم صهیونیستی از زمان آغاز آتش بس در ۱۱ اکتبر (۱۸ مهر) گذرگاه رفح را بسته نگه داشته و در حالی حماس را به «عدم پایبندی» متهم می‌کند که خود با نداوم حملات مرگبار، توافق آتش بس را نقض کرده است.

استان حضرموت به عرصه زورآزمایی نیابتی‌های سعودی -اماراتی تبدیل شده است

دوئل بن سلمان و بن زائد در یمن



اتخاذ شد. این ائتلاف به رهبری شیخ سعد بن حبیش العلی به‌سرعت جایگاهی یافت و بیانگر نارضایی محلی در بزرگ‌ترین استان یمن شد. ائتلاف مذکور که به‌عنوان یک جمعیت نه‌چندان منسجم آغاز به‌کار کرد، خیلی زود و به‌ویژه پس از حمایت عربستان سعودی به نیرویی قدرتمند و منظم بدل شد. ریاض که می‌کوشد برتری امارات را در جنوب یمن مهار کند، با ائتلاف حضرموت هماهنگی‌های نظامی و سیاسی انجام داد و از طریق پشتیبانی لجستیکی، آن را با منافع راهبردی گسترده‌تر همسوز کرد. با این حال، تأسیس این ائتلاف با حمایت عربستان، راه را برای شکل‌گیری گروه‌های شبه‌نظامی دیگر در جنوب یمن هموار کرد. گروه‌های نیابتی جنوبی دیگری یعنی الحراک و شورای انتقالی جنوب که ابوظبی از آن پشتیبانی می‌کند، هویت سعودی ائتلاف حضرموت را تهدیدی مستقیم برای طرح‌های خود دانستند؛ به‌ویژه برای برنامه شورای انتقالی جنوب که می‌خواهد تشکیلاتی مستقل در جنوب وزیرسلطه امارات ایجاد کند.

نوعی جدید از حکومت‌داری

در یک‌سال گذشته، ائتلاف قبایل حضرموت تحت رهبری شیخ عمرو بن حبیش، معاون اول استاندار، گام‌های هرچه جدی‌تر جهت پیشبرد اهداف ریاض برداشته‌اند. در آگوست ۲۰۲۴، این ائتلاف ایست‌های بازرسی مسلحانه در الحدیبه بریا و اردوگاه‌هایی نیز ایجاد کرد که مانع رساندن سوخت به عدن شد و این امر

گزارش



بدون این‌که رزنسکی رادر جریان بگذارد. این روند، که با لغو دیدارهای کلیدی مانند جلسه رزنسکی با ویتکاف همراه بود، نشان می‌دهد ترامپ به این نتیجه رسیده که با حضور رزنسکی در قدرت، هیچ پایان واقعی‌ای برای درگیری‌ها وجود نخواهد داشت. رزنسکی که زمانی به‌عنوان «قهرمان غرب» ستایش می‌شد، حالا به یک مانع مزاحم تبدیل شده است. اظهارات فرزند دونالد ترامپ در نشست دوحه در ۱۶ آذر، که رزنسکی را به فساد گسترده متهم کرد و اوکارین را «فاست‌تر از روسیه» خواند، گزاره عبور کاخ سفید از رزنسکی را تقویت کرد. ترامپ جوینور در صحبت‌های خود به این نکته اشاره کرد که شاید در آینده بسیار نزدیک شاهد این باشیم که پدر از اوکارین «دور شود»، زیرا آمریکا دیگر «چک‌های سفید» برای یک رژیم فاسد نمی‌نویسد. این سخنان، همراه با تغییرات داخلی در اوکارین مانند برکناری آندری یرماک (دست راست رزنسکی) تحت فشار آمریکا، نشان‌دهنده یک «کودتای نرم» است که کاخ سفید برای عبور از رزنسکی کرده است. اوکارین، با رهبری ضعیف و وابسته‌اش، حالا به قربانی این بازی تبدیل شده، جایی که در رسانه‌های وابسته به کاخ سفید و حزب جمهوری‌خواه، رزنسکی به‌عنوان دیکتاتوری فاسد جلوه داده می‌شود که از جنگ برای حفظ قدرت استفاده می‌کند.

عبور از رزنسکی: الگویی از تحقیر و فشار

این اظهارات ترامپ که بلافاصله در رسانه‌ها و محافل سیاسی بازتاب یافت، بخشی از یک الگوی بزرگ‌تر است که نشان‌دهنده تصمیم کاخ سفید برای «عبور» از رزنسکی به‌عنوان مانع اصلی صلح در اروپاست. از زمان ارائه طرح اولیه ۲۸ ماده‌ای ترامپ برای پایان جنگ اوکارین در اوایل دسامبر، روند مذاکرات به یک نمایش تحقیرآمیز تبدیل شده است. این طرح که شامل واگذاری سرزمین‌های شرقی اوکارین به روسیه، خروج نیروهای اوکارینی از دونباس و حتی خروج کی‌یف از ناتو بود، بلافاصله توسط رزنسکی رد شد. رزنسکی در چندین نوبت، از جمله در دیدارهای میامی و لندن، تأکید کرد که هیچ مصالحه‌ای بر سر سرزمین انجام نخواهد داد و این را «خیانت به مردم اوکارین» خواند اما این مخالفت‌ها که ریشه در فشارهای داخلی اوکارین دارد، ترامپ را به خشم آورد. رئیس جمهور آمریکا علناً رزنسکی را متهم کرد که «طرح را نخوانده» و «آماده صلح نیست»، درحالی‌که فرستادگان آمریکایی مانند استیو ویتکاف مستقیماً با کرملین مذاکره می‌کنند